ادامه از صفحه ۵

برجام برای میعانات گازی چه کرد؟

فروش میعانات گازی به کره‌ای‌ها در دوره تحریم؛ کمتر از ۲۰ هزار بشکه

اکنون با برطرف‌شدن تحریم‌ها، بازار بزرگ و روبه‌رشد کره‌جنوبی به روی کشور باز شده و در همین اندک زمان پس از توافق برجام، خرید میعانات گازی این کشور از ایران جهش چشمگیری داشته است. در زمان تحریم، میانگین خرید روزانه میعانات گازی کره‌جنوبی از ایران کمتر از ۲۰ هزار بشکه بود. هم‌اکنون به بیش از ۱۰ برابر رسیده و با قراردادهایی که در دو هفته گذشته با شرکت‌های کره‌ای بسته شده است، به‌زودی به ۴۰۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید. به این ترتیب، نه‌تنها نگران افزایش میزان ذخیره‌سازی‌های غیرضروری نخواهیم بود که با فزونی‌گرفتن صادرات از میزان تولید کنونی، میعانات ذخیره‌شده نیز به‌تدریج به بازار جذب خواهد شد.

بیش از ۸۵ درصد میعانات گازی در بخش پتروشیمی و به‌عنوان خوراک جداسازها (Splitter) به مصرف می‌رسد و تنها ۱۵ درصد از آن می‌تواند در بخش پالایش به کار برده شود. در واقع به لحاظ فنی مصرف بیش از ۱۵ درصد از خوراک بسیار سبک میعانات گازی، شدنی نیست. از این رو، این محصول نه در پالایشگاه‌های داخلی بیش از این امکان مصرف داشته است و نه پالایشگران خارجی می‌توانند بیش از آن را به‌عنوان خوراک به مصرف برسانند؛ حتی اگر به قیمت بسیار ناچیز فروخته شود. از این رو، نباید تصور کرد که با کاستن شدید از قیمت‌ها می‌شد بازار جدیدی برای آن گشود. در بخش پتروشیمی نیز، ژاپن و کره‌جنوبی مهم‌ترین مصرف‌کنندگان میعانات گازی هستند که در زمان تحریم در قالب سهمیه‌های تعیین‌شده از ایران خرید می‌کردند و به سبب متعهدبودن به تعهدات بین‌المللی در عمل به هیچ قیمتی حاضر نبودند بیش از سهمیه‌های تعیین‌شده از ایران خرید کنند. در نتیجه، قطر بزرگ‌ترین صادرکننده میعانات گازی منطقه از این فرصت بهره برد و میعانات گازی خود را به قیمتی بسیار بهتر از ایران به فروش رساند. اکنون پس از بازشدن گره تحریم‌ها، قیمت‌های ایران به قیمت‌های میعانات گازی قطر بسیار نزدیک‌تر شده و شرکت‌های خریدار با خیالی آسوده به خرید میعانات گازی از ایران مبادرت می‌ورزند.

خبری که باید با صدای بلند فریاد زد

موانع و مشکلات توسعه و راه‌اندازی پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس، گره دیگری است که تحریم بر کار فروبسته میعانات گازی زده بود. این پالایشگاه در سه فاز و برای پالایش روزانه ۳۶۰ هزار بشکه میعانات گازی پارس جنوبی طراحی شده است. اگر این پالایشگاه می‌توانست به‌موقع راه‌اندازی شود، نه‌تنها از روی‌آب‌رفتن مقدار زیادی از میعانات گازی جلوگیری می‌شد که نیمی از آن به بنزین با استاندارد یورو چهار تبدیل می‌شد. به این ترتیب، کشور از واردکردن بنزین تحریم‌شده نیز بی‌نیاز می‌شد. بنابراین هزینه‌های جانبی واردات بنزین نیز بر کشور بار نمی‌شد. هم‌اکنون، با رفع موانع تحریم، فاز نخست ستاره خلیج‌فارس نیز در شرف راه‌اندازی است و بار سنگینی را از دوش صنعت گاز کشور برخواهد داشت.

جان کلام اینکه نه می‌توان از تولید میعانات گازی به سبب داشتن ویژگی‌های خاص، کاست و نه در شرایط تحریم می‌توان تمام تولید مازاد را فروخت. حتی نشد در شرایط تحریم واحدهایی که می‌توانند میعانات گازی را به‌عنوان خوراک به مصرف برسانند را به پایان رساند. این حامل انرژی با وجود داشتن ارزشی برابر نفت خام، اهمیتی به‌مراتب بیش از نفت خام دارد و اهمیت رتق‌وفتق امور تولید و فروشش بسیار بیشتر از نفت خام است. از این‌روست که باید خبر «فروش روزانه ۴۰۰ هزار بشکه میعانات گازی به کره‌جنوبی» را با صدای بلند فریاد زد و خاطرنشان کرد که توافق برجام، میعانات گازی را نیک‌فرجام ساخت.

گذر

۱۵۰۰ کارگر معدن زغال‌سنگ در ۶ ماه اخیر بی‌کار شدند

• **تسنیم:** رئیس کمیسیون معدن خانه اقتصاد ایران با بیان اینکه می‌ترسیم بلایی‌که بر سر کارخانجات نساجی آمده، بر سر معادن زغال‌سنگ نیز بیاید، گفت: هزارو ۵۰۰ نفر در معادن زغال‌سنگ در شش ماه گذشته بی‌کار شده‌اند. سعید صمدی با بیان اینکه درحال‌حاضر تعدادی از بزرگ‌ترین معادن زغال‌سنگ تعطیل یا نیمه‌تعطیل هستند، گفت: در بخش زغال‌سنگ مهم‌ترین منابع در اختیار دولت است. در کنار این، بحران ذوب‌آهن اصفهان نیز باعث شد حجم تولید کارخانجات زغال‌سنگ کاهش یابد. همچنین اعمال خصوصی‌سازی‌ها نیز بر حجم مشکلات معادن زغال‌سنگ افزوده است. به نحوی که در مقطعی برخی از معادن زغال‌سنگ به صندوق بازنشستگی فولاد و برخی به سازمان تأمین اجتماعی واگذار شده است. وی واگذاری‌ها را یکی از عوامل اصلی مشکلات معادن زغال‌سنگ دانست و گفت: حرفه‌ای‌ترین کار معدن، در بخش زغال‌سنگ است و این واگذاری‌ها که از سال ۹۲ آغاز شد، آسیبی جدی را به این بخش وارد کرده است.

بازی اقتصاد ایران با جمع «صفر»

ادامه از صفحه ۵

اما اگر بازار سهام به محور فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌ها تبدیل شود و پول‌هایی که جذب می‌شود بازدهی‌های کوتاه‌مدت و بازگشت سرمایه لحظه‌ای و آنی داشته باشد اما در بلندمدت تأثیری روی اشتغال‌زایی نداشته باشد، سرمایه‌گذاری مولد محسوب نمی‌شود. اگر صادرات رشد پیدا کند اما تأثیری در افزایش ظرفیت‌های تولیدی داخل نگذارد به این معناست که دست‌اندرکاران صادرات نفع شخصی می‌برند اما نفع اجتماعی ایجاد نمی‌کنند، بنابراین صادرات آنها لزوما صادرات مولد محسوب نمی‌شود. زمانی که از منافع صادرات کارخانه‌های جدید احداث شود و آنها تقاضا برای نیروی کار را افزایش دهند و همچنین زمانی که دانش فنی را در بنگاه‌های اقتصادی و صنایع ما ارتقا دهند، صادرات مولد محسوب می‌شود. اگر این را بپذیریم، سؤال دوم این است که سهم بخش مولد در ارزش افزوده‌ای که در اقتصاد ایران ایجاد و در قالب شاخص‌های کلان اقتصادی برآورد می‌شود، نسبت به چیزی که می‌تواند باشد بالاتر است یا پایین‌تر. در پاسخ باید گفت قطعا این سهم پایین است، اما چرا؟ درواقع در ساختار اقتصاد ایران یک ناتوازنی بین‌بخشی بین سرمایه صنعتی با سرمایه تجاری و مستغلاتی داریم و یک ناتوازنی بین‌منطقه‌ای بین کلان‌شهرهایی که مانند موتور مکنده سرمایه را جذب می‌کنند با مناطق محرومی داریم که نمی‌توانند سرمایه جذب کنند. این مشکلات ساختاری در گذر زمان خود را بازتولید می‌کند و خود را به صورت یک سهم حدود ۵۵ درصدی بخش خدمات در جی‌دی‌پی نشان می‌دهد. امروز بخش خدمات در کشورهای پیشرفته هم بالای ۵۰ درصد سهم دارد اما تفاوت در این است که آنها یک مسیر منطقی را طی کرده‌اند؛ بخش صنعت توانسته با نیروی کار کمتر، تولید بیشتری داشته باشد و نیروی کار آزادشده جذب بخش خدمات می‌شود، آن هم در اقتصادی که درآمد سرانه بالا رفته است و طرف تقاضا برای فعالیت‌های خدماتی بازار مستعدی ایجاد می‌کند، اما ما آن مسیر را طی نکرده‌ایم و صاحب یک بخش خدمات بسیار بزرگ شده‌ایم که بخشی از فعالیت‌های آن در قالب واردات، قاچاق و سرمایه تجاری دیده می‌شود.دکتر مردوخی به بحث مستغلات اشاره کردند که به نظر من هم بسیار مهم است. سرمایه مستغلاتی در ایران واقعا موتور مکنده جذب سرمایه است و اجازه نمی‌دهد سرمایه به بخش‌های صنعت و کشاورزی برود چون بازدهی بالاتر، خطر کمتر و زمان بازگشت سرمایه نسبتا کوتاه‌تری دارد و برای سرمایه‌گذاری بیشتر انگیزه ایجاد می‌کند. همین حالا سرمایه‌داران منتظر رونق بخش مسکن هستند تا بخشی از سرمایه خود را به این بخش وارد کنند. ما در چرخه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، سیاست‌های غلطی تعریف کرده‌ایم چراکه چندان اهل تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری نبوده‌ایم. ما به دست خودمان در همین بخش مستغلات کاری کردیم که «نظریه رانت ریکاردو» در اقتصاد ایران معنای عینی پیدا کند یعنی هم انفجار جمعیت ایجاد کردیم و هم از دیگر سو، هر جور خواستیم زمین‌ها را تغییر کاربری داده و به عده‌ای واگذار کردیم. با این کار قلمرو کلان‌شهرها به حدی افزایش یافته است که دیگر زمینی در آنها وجود ندارد. قیمت زمین را با سیاست‌های نادرست به عرش رساندیم تا جایی‌که برای تأمین مسکن کم‌درآمدها مجبور می‌شویم به بیابان پناه ببریم که با احتساب ایجاد زیرساخت‌ها، متوسط هزینه تولید مسکن را به شدت بالا می‌برد. در واقع قیمت مسکن و زمین را به شدت بالا بردیم و حباب ایجاد کردیم. از آن طرف هزینه‌های معاملاتی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعت و کشاورزی هم به شدت بالا رفته است. روشن است که سرمایه‌ها به جایی می‌رود که بازدهی بالاتری داشته باشد و مسکن یکی از همین جاهاست. پس اینها ناشی از سیاستگذاری‌های نادرست قبلی است. ما جهت‌ها را درست شناسایی کرده‌ایم اما به دلیل بی‌توجهی به تخصص‌ها، بدترین راهکارها را انتخاب کرده و به جای حل مسئله آن را تشدید کرده‌ایم.

توجه به انسان در روند توسعه

عباس عصاری‌آرانی، رئیس پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

من در این بخش می‌خواهم به صورت خلاصه بخشی از عقاید و حرف‌های مرحوم دکتر عظیمی که به بحث ما مربوط می‌شود را بازگو کنم؛ در سال ۶۸ بعد از بحران‌های سنگینی که جنگ در حوزه اقتصادی ایجاد کرده بود، در دانشگاه تربیت مدرس اولین سمینار بازسازی جمهوری اسلامی برگزار شد. مرحوم دکتر عظیمی در آن سمینار معیارهایی برای بازسازی مطرح کرد که به یک بحث جنجالی تبدیل شد. محوریت بحثی که جنجال آفرید، تأکید بر محوریت انسان در روند توسعه بود که تا آن زمان کمتر به آن توجه می‌شد و در جریان توسعه همچنان تأکید بر منابع فیزیکی بود. مرحوم عظیمی می‌گفت منابع فیزیکی فرع است و منابع انسانی اصل. او حتی نهادهایی که فرهنگی محسوب می‌شدند را مانع توسعه اعلام کرد و لزوم تحول در این نهادها را برای اینکه بتوانند تأثیرهای فرهنگی توسعه‌ای ایجاد کنند، از اصلی‌ترین بحث‌ها دانست. تحول و بازسازی در نهادها و ایجاد نهادهای جدید که بتوانند شرایط ظهور نبوغ انسانی را فراهم کنند، مبنای اصلی بحث ایشان بود که بحث امروز ما در حوزه نهادها هم با آن مرتبط است. مرحوم عظیمی در آن همایش گفت: آموزش‌های ابتدایی این مملکت، ضدتوسعه است و چه‌بسا اگر مدارس بسته شوند، فرهنگ توسعه‌ای کشور بالاتر خواهند رفت، چراکه این مدارس کنجکاوی فطری بچه‌های ما را می‌کشد.

مؤمنی: پیشنهاداتی برای عبور از این شرایط ارائه دهید

در دور اول، مدار اصلی بحث استادان این بود که در چارچوب نظم کنونی، بازی اقتصادی در ایران، بازی با جمع صفر است. یعنی عمدتا در آن چیز جدیدی خلق نمی‌شود بلکه رقابت‌ها از کانال‌های عمدتا نامناسب، بر سر دستیابی به منابع و امکاناتی است که قبلا ایجاد شده. در جامعه‌ای که بازی اقتصادی با جمع صفر باشد گفته می‌شود الگوی مسلط مناسبات اجتماعی، الگوی ستیز خواهد بود و این چیزی است که کم‌وبیش تا پایین‌ترین لایه‌های رفتار فردی و جمعی ایرانیان مشاهده می‌شود. براین‌اساس گفته می‌شود باید به یک بازآرایی سیستمی و ساختاری دست بزنیم. در شرایط کنونی به اعتبار شواهدی که دوستان اشاره کردند، ملاحظه می‌کنید که اصل بنیادی بقای جامعه، به طرز غیرمتعارفی در ایران مخدوش شده است و دست‌کاری‌های موضعی و جزئی به‌هیچ‌وجه ثمربخش نیست. بازآرایی سیستمی، درواقع همه وجوه حیات جمعی را دربر می‌گیرد. اینجا وقتی دوستان جایگزینی نهادهای تولیدمحور به‌جای نهادهای مشوق رانت و ربا و فساد را مطرح می‌کنند، تولید به‌مثابه یک نظام حیات جمعی دیده می‌شود که بازی اقتصادی در آن برد- برد و الگوی مسلط مناسبات هم خرد، اخلاق و همکاری است. در این بازآرایی همان‌طور که سازه‌های ذهنی ما باید تغییر کند، نظام قاعده‌گذاری، اجرائی و توزیع منافع نیز باید تغییر کند اما مسئله اساسی این است که حتی در اسناد رسمی انتشاریافته که همیشه ضریب بالایی از احتیاط و خوش‌بینی دارند نیز به یک شرایط بسیار پیچیده، خطیر و بحرانی اذعان می‌شود. در دور بعدی بحث، از دوستان خواهش می‌کنم از موضع شفقت به دولت و مجلس و کل ارکان حکومت کمک کنند که اولویت‌ها را درست بشناسند و در مقام یک مشاور امین توضیح بدهند که برای عبور از این شرایط، چه گامی و با چه اولویتی باید برداشته شود.

شاکری: انقباض‌های گزینشی و انبساط‌های انتخابی

گفته می‌شود دولت چاره‌ای جز این ندارد که منابع موجود در اقتصاد را به سمت فعالیت مولد در حوزه‌های صنعت، کشاورزی و بخشی از خدمات که مولد است، سوق دهد و این امکان‌پذیر نیست مگر اینکه بین بخش‌های مولد و نامولد فرق بگذارد. به اعتقاد من مسئله اول نظام تولید، بخش نامولد است. دوستان گفتند بخش‌هایی هستند که سرمایه به طرف آنها می‌رود، من می‌گویم کاش فقط سرمایه می‌رفت. در آن صورت برای صنعت و کشاورزی سرمایه خارجی جذب می‌کردیم اما این‌طور نیست؛ سرمایه‌ای که به سمت این حوزه‌ها می‌رود سازوکاری ایجاد می‌کند که معادل درآمدهای ایجادشده را از بخش تولید جدا می‌کند. به نظر می‌رسد در این ساختار بسیار مشکل داریم؛ زمانی منبع مالی از بخش تولید دریغ می‌شود که راهکار آن قرض‌گرفتن از دیگران است اما در ساختار فعلی، هم منابع به سمت حوزه‌های نامولد می‌روند و هم مابه‌ازای سودآوری این حوزه‌ها، از بخش‌های مولد کَنده می‌شود. حالت فعلی اقتصاد ما مانند بیماری است که چند درد و نقص عمده دارد و نمی‌توان برای برگرداندن سلامت و نشاط او، با قرص و داروهای معمول، درمان موضعی انجام داد. به نظر من باید منابعی که در اختیار داریم را به صورت گزینشی و انتخابی از جاهایی دریغ و به جاهایی تزریق کنیم. به عبارتی باید انقباض‌های گزینشی و انبساط‌های انتخابی انجام دهیم. باید بساط رانت و فعالیت‌های نامولد که نظام انگیزشی تولید و ارزش‌آفرینی را تضعیف می‌کنند برچینیم و برای تولید انبساط ایجاد کنیم. طبیعتا اگر مقداری در انتقال درآمدهای نامولد به سمت تولید، توازن ایجاد کنیم، وضعیت اقتصاد، تقاضا و بازار بهتر می‌شود اما اگر تغییر رویه ندهیم و نگاه خود را تقویت نکنیم ممکن است فرصت‌های پیش‌رو، چندان به فعلیت نرسند.

مردوخی: دولت تسخیر شده است

گرچه سخت است اما بهتر این است اول خود را جای دولت بگذاریم و ببینیم چه کاری از دولت ساخته است. خب، این دولت وارث شرایط اقتصادی‌ای است که هر نوع اقدامی را فوق‌العاده مشکل می‌کند. متغیرهای اقتصادی که در نسخه‌های اقتصادی دولت می‌نویسند، غالبا متغیرهایی است که باید از لحاظ علم اقتصاد آزاد مقبولیت داشته باشد، اما به نظر می‌رسد اگر دولت را مشفقانه مورد توجه قرار دهیم، انتظارات از این دولت باید خیلی محدود باشد. یعنی نمی‌توانیم رفتارهای مرسوم، که علم اقتصاد توصیه می‌کند، را از این دولت انتظار داشته باشیم. درحقیقت دولت علاوه بر مشکل‌های بین‌المللی، در بودجه جاری، بودجه عمرانی، شرکت‌های دولتی و خصوصی‌سازی نیز با مشکل مواجه است. در این شرایط، درصورتی که در سطح کلان وفاقی برای این موضوع وجود داشته باشد، اولا باید عملا هزینه‌های جاری دولت به سطح قابل‌قبولی کاهش یابد و دوم اینکه هزینه‌های سنگین غیرمؤثر در بهبود وضعیت اقتصادی کشور، به‌گونه‌ای منطقی کم شود. شیوه بودجه‌ریزی ما به صورت اینکرمنتال است یعنی اگر سال گذشته صد بوده امسال باید ۱۱۰ شود، اما این شیوه دیگر قابل استمرار نیست. در برنامه هم همین‌طور است و امیدواریم وقتی برنامه ششم مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد شیوه‌های گذشته در آن نباشد. بخشی از نقدینگی یک تریلیون‌تومانی کشور باید با شیوه‌های مناسب به فرایند سرمایه‌گذاری سوق پیدا کند و این قطعا مستلزم بهبود فضای کسب‌وکار، اصلاح قوانین و برخورد مشفقانه دستگاه‌های دولتی با سرمایه‌گذاران است. منابعی هم ناگزیر باید برای اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های رفاهی دولت کنار گذاشته شود چون سیطره فقر بسیار سنگین است و نیازمندان جامعه باید حمایت شوند. نکته بسیار مهم دیگر، فراهم‌کردن فرصت اشتغال مولد برای جوانانی است که خانواده‌هایشان هزینه سنگین آموزش عالی آنها را پرداخت کرده‌اند. این را هم نباید فراموش کرد که یکی از ایرادات شرایط فعلی اقتصاد ما، تسخیر دولت است. الان گروه‌هایی هستند که خیلی راحت نظرات خود را بر سیاست‌گذاران تحمیل می‌کنند. گاه این تحمیل‌ها سوداگرانه و گاه مشفقانه است اما حتما در قبال تحمیل‌های سوداگرانه باید هوشیار بود که دولت از آنها بری باشد.

> **شاکری: باید بساط رانت و فعالیت‌های نامولد که نظام انگیزشی تولید و ارزش‌آفرینی را تضعیف می‌کنند برچینیم و برای تولید انبساط ایجاد کنیم. طبیعتا اگر مقداری در انتقال درآمدهای نامولد به سمت تولید، توازن ایجاد کنیم، وضعیت اقتصاد، تقاضا و بازار بهتر می‌شود اما اگر تغییر رویه ندهیم و نگاه خود را تقویت نکنیم ممکن است فرصت‌های پیش‌رو، چندان به فعلیت نرسند**

دینی ترکمانی: جهانی فکر کن، ملی عمل کن

من فکر می‌کنم زمانی که از راهکارهای جزئی، مثل تلاش برای رشد صادرات و دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان، حرف می‌زنیم، چارچوب‌های سازمانی را مفروض می‌گیریم، بعد این راهکارها را ارائه می‌دهیم و معمولا تجربه گذشته نشان می‌دهد نتیجه مطلوب هم نمی‌گیریم؛ مثلا از برنامه اول توسعه ما همیشه به دنبال رشد صادرات، افزایش سهم صادرات «های‌تک» بوده‌ایم، اما عملا داستان همچنان ادامه دارد. چه باید کرد؟ یک بحث این است که باید زنجیره ارزش را تقویت کنیم؛ یعنی نفت و گازی که صادر می‌شود، در داخل کشور به کالاهای با ارزش افزوده بالاتر تبدیل شوند. برای این کار باید مثل عربستان بتوانیم صنعت پتروشیمی را رشد بدهیم که مواد خام به محصولات نهایی با ارزش افزوده بالاتر تبدیل شوند. در همین بحثِ زنجیره ارزش افزوده در حوزه نفت و گاز، باید از این تفکر که قیمت نفت و گاز و مواد اولیه محصولات پتروشیمی را با قیمت جهانی یکی کنیم، بیرون بیاییم. این یک اشتباه استراتژیک دیگر در چرخه سیاست‌گذاری است. اگر قیمت‌ها را به سطوح جهانی برسانیم، زنجیره ارزش ایجاد می‌شود؟ وقتی با قیمت پایین هم مزیت رقابتی در سطح پایینی است، با بالارفتن قیمت‌ها بی‌شک مشکل بیشتر می‌شود. امثال این توصیه‌ها به این دلیل است که ریشه مشکل درست شناسایی نمی‌شود. ریشه مشکل این است که مثلا سیاست صنعتی و فناوری مشخصی نداریم و صنایع را بی‌حساب تأسیس می‌کنیم، منابع را هدر می‌دهیم و پروژه‌های سرمایه‌گذاری را با زمان بسیار طولانی اجرا می‌کنیم که حتی برخی از آنها به بهره‌برداری نمی‌رسند، متوسط هزینه تولید بالا می‌رود و نمی‌توانند رقابت کنند. بعد برای حل این مشکل، تیشه به ریشه چند صنعت نیم‌بند فعال موجود می‌زنیم و می‌گوییم قیمت خوراک پتروشیمی باید افزایش پیدا کند. در بحث سرمایه مستغلاتی که همه متفق‌القول به آن پرداختند، من معتقدم باید مالیات بر مستغلات اجرا شود، اما به این شرط که از دیگر سو هم‌زمان با یک نگاه نظام‌بخش، شرایط برای انباشت سرمایه در بخش صنعت و کشاورزی و بخش مولد فراهم شود وگرنه مالیات‌ها به قیمت نهایی مسکن منتقل شده و فشارهای تورمی را افزایش می‌دهند. نکته بعدی، داشتن سیاست صنعتی مشخص است، ما در سال‌های گذشته هیچ‌وقت سیاست بلندمدت صنعتی نداشته‌ایم. باید ساختارهای سازمانی را اصلاح کنیم. اقتصاد ما در تله تودرتوی نهادی گرفتار است؛ چراکه مراکز قدرت و تصمیم‌گیری بسیار متعدد هستند. این تودرتویی نهادی باعث زیادشدن موازی‌کاری‌ها، اتلاف منابع، بی‌ثباتی‌های شدید ساختارهای سازمانی، امکان دورزدن قوانین، افت مسئولیت‌پذیری و افزایش رانت و فساد می‌شود؛ بنابراین باید به اصلاحات نهادی روی بیاوریم و مراکز قدرت متعددی را که وجود دارد به هر شکلی یک‌کاسه کنیم. نکته آخر اینکه باید شعار «جهانی فکر کن، ملی عمل کن» را بپذیریم. در قرن ۲۱ باید قبول کنیم نمی‌توانیم با روش‌های پیشامدرن یک اقتصاد موفق داشته باشیم. باید سازوکارهایی را که می‌توانند به پیشبرد اهداف ما کمک کنند فراهم کنیم. حتما باید سراغ اصلاحات نهادی و تقویت نظام حکمرانی برویم و استعداد جذب را در اقتصاد بالا ببریم.

عصاری: مردم به دولت‌ها اعتماد ندارند

من باز هم اجازه می‌خواهم با یادداشتی که مرحوم دکتر عظیمی در سال ۸۰ نوشته‌اند، این بحث را ادامه و به سؤال شما جواب دهم. «داستان اقتصاد ایران، نه‌تنها برای این نگارنده، بلکه برای بسیاری از نویسندگان معاصر ایرانی، داستان تلاش و مشقت مردمان این سرزمین و بازدهی محدود این تلاش‌هاست. همه ما بارهاوبارها به این نکته اندیشیده‌ایم که چرا با وجود این‌همه گفت‌وگو و تلاش و زحمت، هنوز توان آن را نداریم که برای فرزندان این مرزوبوم شغل مناسب، درآمد مطلوب، زندگی آسوده، احساس امنیت اقتصادی و آینده نسبتا مطمئنی را فراهم آوریم. به‌راستی همین نگرانی‌هاست که تفکر و اندیشه ما را در باب اقتصاد کشور به خود مشغول داشته و ما را بر آن می‌دارد با وجود همه مشکلات و ناملایمات، باز هم در حد توان خود، هر کوره‌راهی را بپیماییم به این امید که راه رستگاری اقتصاد جامعه خود را بیابیم. آیا خواهیم یافت؟». به نظر من جامعه ما با جامعه‌ای که در این یادداشت به آن پرداخته شده، تفاوتی نکرده است. اگر حالا هم بخواهیم متنی بنویسیم دقیقا همین بحث خواهد شد. جامعه ما متشکل از مجموعه میلیون‌ها جامعه کوچک و مستقلی است که به خود می‌اندیشند. ما در چنان جامعه‌ای تربیت شده‌ایم که ارتباطات و تناسبات در آن تعریف نشده و بسیار سخت است که به خواسته‌های اشاره‌شده در یادداشت مرحوم عظیمی دست پیدا کنیم. بحث من این دولت و آن دولت نیست؛ به اعتقاد من، شرایط مردم ایران به‌گونه‌ای است که هیچ‌وقت به دولت‌ها اعتماد ندارند و آنها را از خود نمی‌دانند. هیچ‌وقت به قوانینی که قوه‌مجریه و حاکمیت می‌گذارند، اهمیت نمی‌دهند و این به سابقه تاریخی این جامعه برمی‌گردد. به اعتقاد من شاید مهم‌ترین کاری که مجموعه دولتی‌ها و حتی حاکمیت باید انجام دهد، ایجاد این مقبولیت نزد مردم است اما تا شرایط امنیت اقتصادی و زندگی مناسب برای مردم فراهم نشود و به ایجاد یک شغل مناسب امید پیدا نکنند، به دولت اعتماد نمی‌کنند. نیروی انسانی فعال در ایران با نیروی انسانی فعال در کشورهای صنعتی تفاوتی ندارد، اختلاف از آنجا شروع می‌شود که در آن کشورها نهادها به‌درستی شکل گرفته‌اند و عملکرد درستی دارند اما در ایران این اتفاق نیفتاده است. به اعتقاد من اصلی‌ترین وظیفه مجموعه دولت، پس از اعتمادسازی، توجه به دانایی، تحول در نظام آموزشی و تکیه بر آموزش پایه و فنی‌حرفه‌ای است.

خبر

خیز «دوو» برای بازگشت قدرتمند به بازار ایران

• مدیرعامل شرکت پوسکو دوو کورپوریشن (DAEWOO) در دیدار با معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت و رئیس سازمان توسعه تجارت ایران از تلاش این شرکت برای بازگشت قدرتمندانه به بازار ایران خبر داد. به گزارش روابط‌عمومی سازمان توسعه تجارت، «یانگ سانگ کیم» در دیدار با ولی‌الله افخمی‌راد افزود: ایران و کره‌جنوبی دو کشور برادر هستند و رابطه تجاری دیرینه‌ای با یکدیگر دارند و دوو نیز از گذشته در بخش‌های مختلف در ایران فعال بوده است.

وی گفت: دوو برنامه‌های متعددی برای حضور در بخش گاز، نفت و پتروشیمی ایران دارد ضمن اینکه امیدوار است بتواند با همکاری مشترک با بخش خصوصی و دولتی ایران، به اهداف خود مبنی بر گسترش حجم روابط تجاری دست یابد. ولی‌الله افخمی‌راد، رئیس سازمان توسعه تجارت نیز در این نشست با اشاره به دیدار اخیر خود با هیات تجاری بزرگ کره‌جنوبی اظهار کرد: همان‌طور که در دیدار با سایر هموطنان کره‌ای شما گفته شد، ما روزبه‌روز وابستگی اقتصاد خود را به نفت کم می‌کنیم و به دنبال آن هستیم تا در صورت انتقال فناوری به کشورمان و تولید و صادرات یا صادرات مجدد کالاها با طرف‌های خارجی همکاری کنیم.

ارزش ۱۲۰ هزار میلیارد تومانی مخابرات هنگام واگذاری

• **ایسنا:** معاون برنامه‌ریزی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات معتقد است که شرکت مخابرات ایران مانند یک گنج است که باید تلاش شود این شرکت به ارزش اصلی خود بازگردد. برات قنبری توضیحاتی درباره فرایند اصلاح ساختار مدیریتی مخابرات داد و گفت: در دوره گذشته یکی از بحث‌هایی که همواره پیش‌روی مخابرات قرار داشت، بحث تعرفه‌ها بود که این مسئله کمی کار را دشوار می‌کرد. حال تصمیم ما آن است که در گام اول آنچه موجب اختلاف می‌شود از بین برود و نوعی وفاق در این شرکت ایجاد شود. رئیس هیات‌مدیره مخابرات در دور جدید ادامه داد: اکنون لازم است برای آینده بهتر این شرکت و برنامه‌ریزی، به‌گونه‌ای که اهداف برنامه ششم توسعه محقق شود، تصمیمات لازم گرفته شود.

اکنون نگاه ما آن است که گذشته را فراموش کنیم و نگاهی به آینده داشته باشیم. معاون برنامه‌ریزی وزارت ارتباطات افزود: ساختار شرکت مخابرات ایران به نظر می‌رسد با ساختار بنگاهی فاصله دارد و این شرکت همان ساختار مدیریت دولتی قبل را حفظ کرده است، اما باید برنامه‌ریزی‌های لازم در زمینه‌های جایگاه موبایل، ارائه سرویس، توسعه و غیره در نظر گرفته شود. قنبری در ادامه درباره انتقادات سابقش به واگذاری مخابرات اظهار کرد: اکنون هم معتقدم مخابرات یک گنج است و همان ارزش ۱۲۰ هزار میلیارد تومانی را دارد به همین دلیل حرف‌های گذشته خود را نقض نمی‌کنم، این دارایی اکنون به گل نشسته اما اگر یک کشتی به گل بنشیند از ارزش خود کشتی چیزی کاسته نخواهد شد پس لازم است کشتی راکد مخابرات به آب انداخته شود و توسعه پیدا کند. معاون برنامه‌ریزی وزارت ارتباطات در ارتباط با اینکه اکنون هیأت‌مدیره جدید این شرکت چه راهکاری را برای حل مشکلات مخابرات مدنظر قرار داده‌اند، گفت: در حال حاضر این شرکت یک بازار ۸۰ میلیونی در داخل کشور دارد و از سوی دیگر بازار منطقه نیز در دست ماست. اکنون استان‌های ما حدود ۴۰۰ میلیون بازار منطقه‌ای دارند.

آب امانتی است الهی، با صرفه جویی در آن، امانتداری صالح باشیم.

نوبت دوم

آگهی ارزیابی کیفی سرمایه گذاران

شرکت آب و فاضلاب استان هرمزگان (سهامی خاص)

تکمیل بخشی از تاسیسات فاضلاب شهر میناب

شرکت آب و فاضلاب استان هرمزگان در نظر دارد با رعایت بند ه تبصره ۱۹ قانون بودجه سال ۱۳۹۴ و دستورالعمل ماده ۲۷ الحاق برخی از موارد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) با موضوع شرایط واگذاری طرح های تملک دارایی های سرمایه ای جدید ، نیمه تمام ، تکمیل شده و آماده بهره برداری به بخش غیر دولتی (مصوب ۹۵/۷/۴) تکمیل بخشی از تاسیسات فاضلاب شهر میناب را در ازای تخصیص پساب تصفیه شده به منظور کاربری معین و با حجم مشخص برای دوره زمانی محدود و معین به روش بیع متقابل و با شرایط ذیل به سرمایه گذار واجد شرایط واگذار نماید.

الف شرح مختصری از پروژه :

-**موضوع مناقصه :** تکمیل بخشی از تاسیسات فاضلاب شهر میناب

-**دستگاه مناقصه گذار :** شرکت آب و فاضلاب استان هرمزگان

-**مشاور :** شرکت مهندسین مشاور پارس آب تدبیر

-**محل اجرای پروژه :** شهر میناب

-**دوره احداث :** ۲ سال

-**دوره بهره برداری تجاری :** با ارائه مدل مالی حداکثر ۲۵ سال

-**راندمان تصفیه :** فاضلاب تصفیه شده باید کیفیت استاندارد سازمان محیط زیست جهت تخلیه پساب به آبهای سطحی را دارا باشد.

-**جمعیت تحت پوشش :** ۱۰۱ هزار نفر

ب- شرایط کلی برای سرمایه گذاری :

سرمایه گذار به صورت شخص حقیقی یا حقوقی در بخش صنعت با داشتن سابقه مدیریتی قابل قبول , تامین و تخصیص سرمایه مورد نیاز را بر عهده خواهد داشت .

کلیه سرمایه گذاران واجدین شرایط که مایل به شرکت در مناقصه فوق می باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی فراخوان دوم تا تاریخ ۹۵/۳/۳ با ارائه معرفینامه اعلام آمادگی جهت انجام پروژه , ارائه مدارک هویتی و شناسایی وفیش واریزی به مبلغ ۵۰۰۰۰۰ ریال به حساب جاری ۰۱۰۲۹۳۴۹۹۰۰۰۳ بانک صادرات شعبه گلشهر بابت خرید اسناد ارزیابی کیفی در ساعات اداری به امور قراردادهای این شرکت به نشانی شرکت آب و فاضلاب استان هرمزگان -بندرعباس -بلوار ناصر جنب بیمارستان شریعتی مراجعه و اسناد مربوطه را دریافت نمایند .مناقصه گران پس از دریافت و مطالعه اسناد ارزیابی حداکثر تا ساعت ۱۴ مورخ ۹۵/۳/۱۸ اسناد مربوط را تکمیل و در پاکت لاک و مهر شده به نشانی شرکت آب و فاضلاب استان هرمزگان تحویل نمایند.

-بدیهی است پس از بررسی مدارک ارزیابی که توسط شرکت کنندگان تکمیل و تحویل می شود از سرمایه گذاران واجد شرایط جهت مذاکرات قراردادی دعوت بعمل خواهد آمد .

- سرمایه پذیر در رد یا قبول پیشنهادات فنی یا مالی سرمایه گذاران در تمام مراحل اختیار تام دارد .

تلفن : ۷-۶-۳-۳۳۵۰۵۸۲-۰۷۶۱ ، فاکس : ۳۳۳۸۰۱۴-۰۷۶۱

آدرس پست الکترونیکی : info@abfahormozgan.com

آدرس وب سایت : WWW.Abfa Hormozgan.Com

روابط عمومی و آموزش همگانی
شرکت آب و فاضلاب استان هرمزگان